

شبهات

شبهه شناسی | گفتمان سازی و پاسخ گویی

ماهنامه ویژه پویبش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)
شماره سی و سوم / اسفندماه ۱۴۰۲

□ بلاینددیت، قراری ناشناس □ عاشقی در وقت بهار □ ۴ نکته درباره ۲ شب قدر □ دشمنی را آمریکا آغاز کرد
□ جای این طرح، سطل زباله است! □ واکنش نسبت به روزه خواری □ امیرمومنان علیه السلام □ کارگزاران فاسد □ راز هلال ماه

بلاینددیت، قراری ناشناس

هر کسی که کمی در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی مثل اینستاگرام، توییتر، یوتیوب و... فعالیت داشته باشد، دیگر می داند که بلاینددیت چیست. بلاینددیت (Blind Date) یا قرار ناشناس، یکی از ترندهای این روزهای دنیای مجازی است که مخاطبان زیادی را از نسل Z جذب خود کرده است. اینکه با فردی که نمی شناسیم و تا به حال او را ندیده ایم، وارد یک قرار عاشقانه شویم، می تواند اتفاق هیجان انگیزی برای دختران و پسران جوان باشد. از طرف دیگر، تماشای این قرار و در جریان قرار گرفتن مکالمات و جزئیات آن نیز می تواند برای قشر خاص دیگری، جذاب باشد. این ملاقات های خالی از فکر، در فضایی ناپایدار و بی ثبات انجام می شود تا واکنش های هیجانی و رفتارهای خودانگیزه شرکت کنندگان را به نمایش بگذارد.

مضامین برنامه بلاینددیت، در برنامه های دیگری شبیه به خود آن، مثل قرار سریع (Speed Date)، کراش دیت (Crush date)، چشم تو چشم (Eye To Eye) و دوست یابی در دنیای واقعی (Tinder in Real Life) در سال گذشته، ویرال شده و از پر بازدیدترین برنامه های اینترنتی در یوتیوب، اینستاگرام و آپارات بوده است که روابط نامشروع دختر و پسر را به

تصویر کشیده، بیش از پیش، به آن مقبولیت اجتماعی می دهد؛ اما دلیل جذابیت این برنامه ها چیست؟

بلاینددیت، به دلیل طراحی و محتوای خود، از مکانیزم های خاص روان شناختی برای جلب مخاطب استفاده می کند. در این برنامه ها، سازندگان از روش هایی مانند عدم پیش بینی پذیری، ایجاد محیط های تنش زا و برانگیختن واکنش های آنی شرکت کنندگان بهره می گیرند. مخاطبان نیز به دلیل جذابیت طرح واره ای این هیجانانگیز و تمایل به مشاهده چرخه باطل رفتارهای طرح واره محور، به این نوع برنامه ها جذب می شوند. این برنامه ها، از مکانیسمی مشابه درام اجتماعی استفاده می کنند که در آن، روابط پیچیده، نامتعادل و غیرقابل

پیش بینی انسان ها، به شکل هیجانی و نمایشی به تصویر کشیده می شود. آنچه باعث مخرب بودن این برنامه ها می شود، نوع محتوا و شیوه انتقال آنهاست. در واقع، بلاینددیت، عملاً به بروز احساسات ناپایدار، وابستگی های ناسالم و تقویت الگوهای عاطفی نامتعادل دامن می زند. سازندگان این برنامه ها، با ایجاد موقعیت های طردشدگی و نمایش روابط ناپایدار، به بازتولید و تایید طرح واره های ناسازگار و بازآفرینی ترس ها و اضطراب های روان شناختی ناهوشیار افراد دامن می زنند.

از نظر روانشناختی، افرادی که طرح واره «خود تحول نیافته» و «گرفتار» یا طرح واره های «بریدگی و طرد شدید» دارند، به صورت ناخودآگاه، در محیط هایی که ماهیت وابسته، ناپایدار و عاطفی دارند، احساس راحتی می کنند. این احساس، در روانشناسی طرح واره ای، به هم ذات پنداری طرح واره ای یا جذابیت طرح واره ای معروف است. هم ذات پنداری طرح واره ای، به این معناست که افراد، طرح واره های ناسازگار خود را از طریق همانندسازی با شخصیت ها و موقعیت های نمایش داده شده، دوباره تجربه می کنند.

در برنامه هایی نظیر بلاینددیت، سازندگان، به طور ناخودآگاه، از مکانیزم های جبرانی برای تماشاگران و

شرکت کنندگان بهره می برند. در روانشناسی، مکانیزم جبرانی، به عنوان تلاشی برای پوشاندن یا سرکوب نقاط ضعف عمیق عاطفی از طریق رفتارهای جبرانی، به کار می رود. شرکت کنندگانی که از طرح واره «خود تحول نیافته» رنج می برند، با حضور در این برنامه، خودشناسی و اعتماد به نفس منفی خود را از طریق بازتولید نقش های وابسته و ناپایدار، جبران می کنند.

با توجه به اینکه بلاینددیت می تواند منجر به سرخوردگی های عاطفی و ایجاد انتظارات غیرواقعی شود، این سبک از محتواها در فضای مجازی، بیشتر به دنبال جذب مخاطب از طریق هیجان های زودگذر هستند تا ارائه یک تجربه مفید و سازنده؛ بنابراین، ترویج این نوع برنامه ها، می تواند به گسترش بی اعتمادی و کاهش کیفیت روابط اجتماعی در نسل جوان منجر شود.



عاشقی در وقت بهار



ز کوی یار می‌آید نسیم باد نوروزی
از این بادار مددخواهی چراغ دل برافروزی

برای کسانی که در دهه ۵۰ یا بالاتر از عمرشان هستند، تلاقی عید نوروز با ماه رمضان، خاطره است. در اوایل دهه ۷۰ نیز این دو مناسبت، قرین هم گشتند و سفره‌های افطار و سحر مردم، با سفره هفت سین نوروز، پیوند خورد. آن زمان هم میان ملی‌گراها و برخی مذهبی‌ها، بحث در می‌گرفت که کدام یک از این دو، بر دیگری اولویت دارد. در این میان، عقلای قوم، بر آن بودند که این دو، با یکدیگر منافاتی ندارند و می‌توانیم در حالی که روزه هستیم، پس از افطار، به شادی پرداخته، به دید و بازدید از فامیل و به ویژه بزرگ‌ترها رفته، صلح ارحام کنیم. واقعیت امر هم چنین شد و آن سال‌ها، صفای خاصی داشت که وعده تکرار آن لحظات زیبا را می‌توان در سال جدید، به جوان‌ترها داد.

رهبر معظم انقلاب در اواخر سال ۱۳۷۰، در بیاناتی نسبت به این تقارن، چنین واکنش نشان داد: «اول بهار است و مردم عادت کرده‌اند که این ایام را عید بگیرند و تعطیل باشند و شادی کنند و به دیدن یکدیگر بروند و به هم عیدی بدهند و قهرها را آشتی کنند... بنده صددرصد با عید نوروز و با جشن گرفتن این ایام، موافقم. هر کاری هم که در این ایام به جشن مردم کمک کند و آن را معنا ببخشد، خیلی خوب است و هیچ ایرادی ندارد... عید نوروز را شاد کنید؛ منتها چون ماه رمضان است، در تلفیق بین این دو، هتری لازم است. مانعی ندارد که شما سحرها را کلاً رخصتی باشید؛ اما شب‌ها رخصتی و نوروزی باهمدیگر».

پس از ۳۶ سال، بار دیگر شاهد تقارن این دو مناسبت مهم با یکدیگر هستیم. حالا دیگر می‌دانیم که مردم ما در مدیریت این گونه مسائل، به بهترین روش عمل می‌کنند و بدون این که بخواهند از اهمیت بهار طبیعت بکاهند، از بهار قرآن غافل نمی‌شوند و از برکات هر دو عید، بهره‌مند می‌گردند. یکی از دل‌خوشی‌های ما، نگاه گرم و محبت‌آمیز اهل بیت به فرهنگ و مردمان ایران بوده است. در روایات آن بزرگواران،

نوروز، مبارک دانسته شده و برای این ایام، مناسبت‌های مهمی برشمرده شده و اعمالی همچون غسل، نماز و دعای ویژه بیان شده است.

نقل شده است که در نوروز، هدیه‌ای برای امیرالمؤمنین علیه السلام آورده شد. حضرت فرمود: این هدیه برای چیست؟ پاسخ دادند: یا امیرالمؤمنین! امروز نوروز است. امام فرمود: هر روز را برای ما نوروز کنید. در واقع، آن حضرت با این تعبیر مثبت، از این فرهنگ ایرانی، حمایت فرمود.

آدمی نیست که عاشق نشود وقت بهار
هر گیاهی که به نوروز نجنبید، حط‌ب‌است

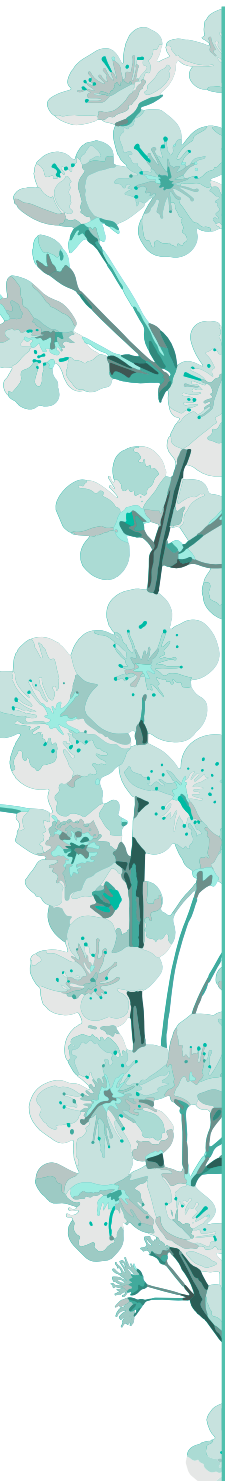
همچنان که بهار طبیعت، گیاهان و موجودات را به وجد می‌آورد، رمضان هم بهار دل‌هاست و مومنان را روحی تازه می‌بخشد و هم زمانی این دو مناسبت مبارک، معنا بخش «حوّل حالنا الی احسن الحال» است.

تلاقی نوروز با رمضان، امری طبیعی است که با توجه به گردش ۳۶ ساله سال قمری و توقف سه ساله در هر ماه، حدود هر ۳۴ سال، این اتفاق رخ می‌دهد. امسال نیز با توجه به تقارن روز اول فروردین با روز بیستم ماه رمضان که شب شهادت امیرمومنان است، شایسته است که مردم ایران که دل‌داده آن امام همام هستند، نسبت به رعایت شان آن حضرت، اهتمام بیشتری داشته باشند. البته ما ایرانی‌ها از گذشته، سنت دیرینه‌ای داریم و نسبت به تکریم اموات، سنگ تمام می‌گذاریم و اگر عزیزی را از دست بدهیم، آن سال را عید نمی‌گیریم و با این کار، تالم و تاثر خود را نشان می‌دهیم. این در حالی است که شیعه، اهل بیت را بر جان و مال خود مقدم می‌داند و با گفتن «بابی انت و امی»، پدر و مادرش را که عزیزترین داشته‌های هر فرد است، فدای اهل بیت می‌کند.

هم‌زمانی تحویل سال و ایام عزاداری امیرالمؤمنین علیه السلام، یادآور این شعر مولانا است که گفت:

نوروز رُخت دیدم، خوش اشک بیاریدم
نوروز و چنین باران، باریده مبارک باد

امسال نیز با توجه به تقارن روز اول فروردین با روز بیستم ماه رمضان که شب شهادت امیرمومنان است، شایسته است که مردم ایران که دل‌داده آن امام همام هستند، نسبت به رعایت شان آن حضرت، اهتمام بیشتری داشته باشند



۴ نکته درباره ۳ شب قدر

۱. در دهه آخر ماه مبارك رمضان، پیامبر اکرم، تمام شب‌ها را احیا می‌داشت و مشغول عبادت بود و در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز

آمده است که «شب قدر، شب بیست و یکم یا بیست و سوم است» و هنگامی که راوی اصرار می‌کند که کدام یک از این دو شب است، حضرت می‌فرماید: «اگر من نتوانم هر دو شب را عبادت کنم، کدام یک را انتخاب نمایم؟ چه آسان است دو شب برای آنچه می‌خواهی». البته در روایات متعددی که از اهل بیت رسیده، بیشتر بر روی شب بیست و سوم تکیه شده؛ در حالی که روایات اهل سنت، بیشتر روی شب بیست و هفتم تاکید می‌نمایند.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «تقدیر مقدرات، در شب نوزدهم، تحکیم آنها در شب بیست و یکم و امضای آنها در شب بیست و سوم است»^۲ و به این ترتیب، بین روایات، جمع می‌شود؛ ولی به هر حال، شب قدر را هاله‌ای از ابهام، فراگرفته است.

مخفی بودن شب قدر در میان شب‌های سال یا در میان شب‌های ماه مبارك رمضان، برای این است که مردم به همه این شب‌ها اهمیت دهند؛ همان گونه که خداوند، رضای خود را در میان انواع طاعات، پنهان کرده تا مردم به همه طاعات، روی آورند؛ غضبش را در میان تمام معاصی، پنهان کرده تا از همه بپرهیزند؛ دوستانش را در میان مردم، مخفی کرده تا همه را احترام کنند؛ اجابت را در میان دعاها پنهان کرده تا به همه دعاها رو آورند؛ اسم اعظم را در میان اسمانش مخفی ساخته تا همه را بزرگ دارند و وقت مرگ را مخفی ساخته تا در همه حال، آماده باشند.

۲. مهم‌ترین آیات قرآن درباره شب قدر، آیات سوره قدر است. ظاهر آیات این سوره، نشان می‌دهد که شب قدر، مخصوص زمان نزول قرآن و عصر پیامبر اسلام نیست؛ بلکه شب قدر، همه ساله تا پایان جهان تکرار می‌شود. استفاده از فعل مضارع «تنزل» - که دلالت بر استمرار دارد - و نیز جمله اسمیه «سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» - که نشانه دوام است - نیز گواه بر این معنی است. به علاوه، روایات بسیاری که شاید در حد تواتر باشند نیز

این معنی را تایید می‌کنند.

۳. سوال دیگر این است که آیا شب قدر، در امت‌های

پیشین نیز بوده است یا نه؟ تصریح روایات متعددی این است که این از مواهب الهی بر امت پیامبر اکرم است؛ چنان که در حدیثی از پیغمبر آمده است که «خداوند

به امت من، شب قدر را بخشیده و احدی از امت‌های پیشین، از این موهبت، برخوردار نبودند»^۳.

۴. اما درباره اینکه شب قدر در مناطق مختلف، یکی است یا نه، باید گفت که آغاز ماه‌های قمری، در همه جا، یکسان نیست و ممکن است در منطقه‌ای، امروز اول ماه باشد و در منطقه دیگری، دوم ماه؛ بنابراین، شب قدر نمی‌تواند یک شب معین در سال باشد؛ زیرا به عنوان مثال، شب بیست و سوم در مکه، ممکن است شب بیست و دوم در ایران یا عراق باشد و به این ترتیب، قاعدتاً هر کدام باید برای خود،

شب قدری داشته باشند. آیا این با آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود که شب قدر، یک شب معین در سال است، سازگار است؟ پاسخ این

سؤال، با توجه به یک نکته، روشن می‌شود و آن اینکه شب، همان

سایه یک نیم‌کره زمین است که بر نیم‌کره دیگر می‌افتد و می‌دانیم این سایه، همراه

با گردش زمین، در حرکت است و یک دوره کامل آن، در ۲۴ ساعت انجام

می‌شود؛ بنابراین، ممکن است شب قدر،

یک دوره کامل شب به دور زمین باشد؛ یعنی مدت ۲۴ ساعت تاریکی که

تمام نقاط زمین را زیر پوشش خود قرار می‌دهد، شب قدر است

که آغاز آن، از یک نقطه، شروع می‌شود و در نقطه دیگر، پایان می‌گیرد.

پی‌نوشت:

۱. نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۲۵، ح ۵۸.
۲. همان، ص ۶۲۶، ح ۶۲.
۳. دزالمشور، ج ۶، ص ۳۷۱.

دشمنی را آمریکا آغاز کرد



برخی انقلاب اسلامی و مسائلی مانند تسخیر لانه جاسوسی و شعار «مرگ بر آمریکا» و صدور انقلاب و... را عامل دشمنی آمریکا با کشور ما دانسته، چنین وانمود می‌کنند که این ما بوده‌ایم که دشمنی با آمریکا را آغاز کرده‌ایم. چنین نگاهی، عامدانه یا ناآگاهانه، واقعیات تاریخی را نادیده گرفته، با یک برش تاریخی، پیشینه دشمنی آمریکا با کشورمان را در نظر نمی‌گیرد و مسائل را به بعد از انقلاب اسلامی موکول می‌نماید.

بررسی رفتارهای خصمانه آمریکا در تاریخ معاصر کشورمان، به خوبی بیانگر آن است که دشمنی آمریکا، به سال‌ها قبل از انقلاب اسلامی باز می‌گردد. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، با وجود آنکه دکتر مصدق، با آمریکا مراد داشته و تنها موضوع تثبیت حق کشورمان در قرضیه نفت مطرح بود و نه استقلال کشور، آمریکا به همین مقدار

هم برای ما حق قائل نبود و حاضر به تحمل مصدق با آن ویژگی‌ها نشد و به وی رحم نکرد و کودتای ۲۸ مرداد را به راه انداخت و حکومت وی را سرنگون کرد. در آن زمان، نه خبری از انقلاب اسلامی بود و نه سفارتی تسخیر شده بود و نه حضرت امام، نهضت اسلامی خود را آغاز کرده بود که با این دشمنی آشکار مواجه شدیم.

مادلین البرایت، وزیر خارجه پیشین آمریکا، اولین مقام آمریکایی بود که در سال ۲۰۰۰م. صریحاً به نقش آمریکا در کودتای ۲۸ مرداد اذعان کرد و گفت: «در سال ۱۹۵۳م. آمریکا نقشی عمده در طراحی سرنگونی محمد مصدق، نخست‌وزیر مردمی ایران بازی کرد. دولت آیزنهاور، اقدام خود را به دلایل استراتژیک، موجه می‌دانست؛ اما کودتا به وضوح، یک عقب‌گرد برای توسعه سیاسی در ایران بود.»

در بین مقامات آمریکایی بازنشسته، نیکسون، نخستین مقامی بود که کودتای دولت آیزنهاور علیه مصدق را تایید و سعی در توجیه آن کرد. وی در سال ۱۹۹۱م. در مصاحبه‌ای گفت: «آمریکا همراه با انگلیس، در حمایت از کودتایی شرکت کرد که مصدق را که یک چپ‌گرای تحت کنترل شوروی بود، برکنار کرد»^۱. کریمیت روزولت، از مقامات

برجسته سیا که مجری این کودتا بود نیز چنین اعتراف می‌کند: «کودتای ایران، نخستین عملیات مخفی علیه یک دولت خارجی بود

که به وسیله سیا در ماه‌های آخر حکومت ترومن تنظیم شده بود»^۲.

آمریکا حتی در روزگاری که حکومت وابسته آنان در کشور ما بر سرکار بود، خوی زیاده‌خواهی و سلطه‌جویی خود را با ارائه طرح استعماری کاپیتولاسیون، آشکار نمود و نشان داد که برای عزت و استقلال مردم این مرز و بوم، هیچ ارزشی قائل نیست. کویلر یانگ، استاد دانشگاه پرینستون آمریکا معتقد است که «کاپیتولاسیون، اشتباه فجیعی برای منافع آمریکا در ایران بود و این قانون سنگین، به عنوان نشانه فاحش امپریالیسم تفسیر می‌شد؛ با این همه، ما بر اجرای آن پافشاری کردیم»^۳.

بنابراین، بهتر است نشانی اشتباه ندهیم و دشمنی آمریکا با کشورمان را به مسائلی مانند انقلاب اسلامی و تسخیر لانه جاسوسی و مانند آن پیوند نزنیم و کشورمان را متهم به آغاز دشمنی با آمریکا نکنیم.

مقام معظم رهبری، در واکنش به این خط فکری فرمود: «بعضی‌ها تاریخ را تحریف می‌کنند؛ خود آمریکایی‌ها این کار را می‌کنند؛ آن سالی که بنده رئیس‌جمهور بودم و رفتم سازمان ملل، یک خبرنگار معروف آن روز آمریکا، در سازمان ملل با بنده مصاحبه کرد و شروع اختلافات بین ایران و آمریکا را از ماجرای سفارت گفت؛ گفت: بله، از وقتی که جوان‌های شما رفتند سفارت را گرفتند، بین ایران و آمریکا اختلاف شد. این، تحریف تاریخ است؛ قضیه این نیست. اختلاف بین ملت ایران و آمریکا، از ۲۸ مرداد، حتی قبل از ۲۸ مرداد شروع شد؛ ۲۸ مرداد سال ۳۲ به اوج رسید. آنها بودند که نامردی کردند؛ خبثت کردند؛ ملت ایران را با کودتا، دچار یک رژیم فاسد وابسته کردند. شوخی نیست؛ سال‌های متمادی، این کشور زیر فشار رژیم وابسته به آمریکا دست و پا زد»^۴.

پی‌نوشت:

۱. کودتای ۲۸ مرداد؛ اسناد و اظهارات مقامات آمریکایی و انگلیسی.
۲. سید جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، ص ۵۱۵.
۳. جیمز بیل، عقاب و شیر، تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، ص ۲۵۸.
۴. بیانات در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان در آستانه ۱۳ آبان، ۱۳۹۸/۸/۱۲.

اختلاف بین ملت ایران و آمریکا، از ۲۸ مرداد، حتی قبل از ۲۸ مرداد شروع شد؛ ۲۸ مرداد سال ۳۲ به اوج رسید. آنها بودند که نامردی کردند؛ خبثت کردند؛ ملت ایران را با کودتا، دچار یک رژیم فاسد وابسته کردند. شوخی نیست؛ سال‌های متمادی، این کشور زیر فشار رژیم وابسته به آمریکا دست و پا زد

جای این طرح، سطل زباله است!

طرح دو دولتی - که بسیاری از کشورها به دنبال آن بوده، آن را راه حل مشکل فلسطین می‌دانند - هیچ جایگاهی در سیاست آمریکا ندارد.

ترامپ در حالی دست پیش را گرفته و به کشورهای مصر، اردن و عربستان پیشنهاد می‌دهد که مردم غزه را در کشور خود جا دهند که باید پاسخ دهد به چه دلیل و بر اساس چه مبنایی، مردم یک سرزمین باید آن را ترک کنند و در اختیار اشغالگران بگذارند و چرا باید کشورهای عربی، هزینه زیاد خواهی‌های این کشور را بدهند؟ اگر کسی باید از این سرزمین کوچ کند، آن رژیم جعلی و غاصب صهیونیستی است؛ نه صاحبان واقعی این سرزمین.

مردم غزه - که حدود یک سال و نیم، در برابر تجاوزات و جنایات این رژیم ایستادگی و نزدیک به ۵۰ هزار شهید تقدیم کرده، این رژیم را مجبور به پذیرش آتش بس کردند - هرگز اجازه چنین کاری را نخواهند داد. صحنه‌های بازگشت مردم به غزه پس از آتش بس، با وجود ویرانی این شهر، نشان از اراده مستحکم آنان دارد.

از این جهت، روزنامه اسرائیلی‌ها ارتص نیز نوشت: طرح ترامپ، از هر زاویه‌ای که مورد بررسی قرار می‌گیرد، ناقص است. باور اینکه ارتش اسرائیل، نوار غزه را از ساکنانش خالی کند و تفرجگاهی آمریکایی در خاورمیانه در آنجا احداث شود، بی‌اساس و غیرقابل تحقق است و تنها جای مناسب برای چنین طرحی، سطل زباله است.

می‌خواهد حاکمیت اسرائیل را بر کرانه باختری و نزدیک به سه میلیون فلسطینی ساکن آن، تثبیت کند. در حالی که با این طرح، توجه جهانی بر غزه متمرکز شده، اسرائیل آرام آرام کنترل خود را بر سرزمینی تشدید کرده که اکثریت فلسطینی‌ها، در آن زندگی می‌کنند. تحرکات اخیر این رژیم در کرانه باختری نیز این احتمال را تقویت می‌کند.

این طرح نشان داد که بعد از گذشت ۷۵ سال از اشغال فلسطین، باز هم راه حل آمریکا، نادیده گرفتن حق مردم فلسطین و تصمیم به جای آنان است و تغییری

ترامپ، رئیس جمهور جدید آمریکا، هنوز از گردها نرسیده، طرح‌های مناقشه برانگیز و عجیب و غریب خود را ارائه داده است؛ از تغییر نام خلیج مکزیک به خلیج آمریکا تا تعلق کانال پاناما به آمریکا و خرید جزیره گرینلند و الحاق کانادا به آمریکا به عنوان ایالت پنجاه و یکم این کشور؛ اما جنجالی‌ترین و پر حرف و حدیث‌ترین طرح ترامپ، موضوع کوچاندن مردم غزه از این منطقه و اسکان آنها در مصر یا اردن و یا عربستان بود که با واکنش‌های زیادی همراه شد.

بر خلاف نظر عده‌ای، ارائه چنین طرحی را نمی‌توان تنها به شخصیت ترامپ مربوط دانست و به سادگی از کنار آن گذشت. به نظر می‌رسد صرف نظر از عملی نبودن و غیرقانونی بودن چنین طرحی، ارائه آن در این مقطع، با وجود آنکه بر عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی و طرح دو کشوری، تأثیر منفی خواهد داشت، اهدافی را دنبال می‌کند که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ◆ تغییر توجه جهانی از شکست رژیم صهیونیستی در جنگ غزه
- ◆ سرپوش گذاشتن بر کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به این رژیم
- ◆ کاستن توجه‌ها از تحریم دیوان کیفری بین‌المللی در پی صدور حکم بازداشت نتانیاهاو

- ◆ اعلام پشتیبانی آمریکا از رژیم صهیونیستی
- ◆ تلاش برای حفظ نتانیاهاو و جریان راست افراطی این رژیم در قدرت

- ◆ خط و نشان کشیدن برای برخی کشورهای دوست آنها که این مقدار همراهی آنان، کافی نبوده، باید هزینه بیشتری پرداخت نمایند.

از همه مهم‌تر، به نظر می‌رسد که این طرح، برای پرت کردن حواس‌ها از طرح دیگری باشد که احتمال وقوع آن بیشتر است و آن اینکه دولت نتانیاهاو

در این نگاه خودخواهانه و سلطه‌جویانه به وجود نیامده است. اگر آن روز

افسانه هولوکاست، بهانه‌ای برای اشغال سرزمین

فلسطین شد و آمریکا

و انگلستان به خود اجازه دادند که به جای مردم این سرزمین تصمیم بگیرند و آن را در اختیار فرزند نامشروع خود قرار دهند، امروز نیز ترامپ با گستاخی تمام و بدون در نظر گرفتن حق مردم این منطقه، به جای آنان تصمیم می‌گیرد که سرزمین خود را رهاکنند.

این طرح، چهره بدون روتوش و واقعی آمریکا را به نمایش گذاشت که هیچ حقی برای مردم فلسطین، قائل نبوده،

طرح ترامپ، برای پرت کردن حواس‌ها از طرح دیگری است که احتمال وقوع آن بیشتر است و آن اینکه دولت نتانیاهاو می‌خواهد حاکمیت اسرائیل را بر کرانه باختری و نزدیک به سه میلیون فلسطینی ساکن آن، تثبیت کند. در حالی که با این طرح، توجه جهانی بر غزه متمرکز شده، اسرائیل آرام آرام کنترل خود را بر سرزمینی تشدید کرده که اکثریت فلسطینی‌ها، در آن زندگی می‌کنند



واکنش نسبت به روزه خواری

نسبت به احکام شرع خواهد شد. با توجه به این تاثیرات غیرقابل انکار، هر یک از افراد جامعه، چه قشر متدین و چه غیرمتدین، حق تذکر به این افراد را با حفظ چارچوب‌های شرعی - که در احکام امر به معروف و نهی از منکر آمده خواهند داشت.

حق نهی از منکر نسبت به این موضوع، ناشی از حق اجتماعی و شهروندی افراد جامعه است. وقتی یک نفر به صورت علنی، روزه خواری می‌کند و به دین و ارزش‌های جامعه اسلامی و مردم آن، دهان کجی می‌نماید، قطعاً حق شهروندی دیگران را به بهانه حق شهروندی خویش، نابود ساخته است؛ در حالی که همواره، مصلحت عمومی، بر مصلحت شخصی، غالب است.

۲. حق حکومت اسلامی

قانون مورد پذیرش جامعه، این حق را به حکومت اسلامی می‌دهد که با فردی که به صورت علنی در اجتماع، روزه خواری می‌کند، در چارچوب قانونی، برخورد کند؛ زیرا مبنای حکومت اسلامی، برقراری احکام اسلامی در جامعه است و خودداری از انجام این وظیفه، بخشودنی نیست؛ همان گونه که در اصل سوم قانون اساسی نیز بدان تصریح شده است.

علاوه بر ضرورت رعایت احکام الهی و اسلامی برای هر فردی، رعایت قانون در هر جامعه‌ای نیز ضروری است؛ ولو اینکه یک فرد بگوید من این قانون را قبول ندارم؛ زیرا هدف از قانون‌گذاری، ایجاد یک نظم واحد و منسجم در جامعه است و رعایت آن، بر همه افراد لازم است. بر همین اساس، در ماده ۶۳۸ قانون تعزیرات، نسبت به تظاهر به عمل حرام، جرم‌انگاری شده است.

۳. نگاه اخلاقی و انسانی

اخلاق انسانی و وجدان، اقتضا می‌کند که وقتی در یک جامعه، جمع زیادی از مردم، بر اساس عقیده و تفکرشان، روزه می‌گیرند و ساعات طولانی، مجاز به خوردن و آشامیدن نیستند، کسانی که به هر دلیلی روزه‌دار نیستند، از خوردن و آشامیدن در حضور افراد روزه‌دار، خودداری کنند و اگر هم می‌خواهند چیزی میل کنند، در خلوت و دور از چشم روزه‌داران انجام دهند.

در ماه مبارک رمضان، متأسفانه برخی افراد در سطح جامعه، اقدام به روزه خواری می‌کنند. از نظر دین اسلام و قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، این عمل، خلاف قانون و منکر شمرده می‌شود. با این ناهنجاری، از دو جهت می‌توان و باید مخالفت کرد:

۱. حق افراد جامعه

جامعه، موجودی زنده است که در شکل‌گیری شخصیت و تربیت انسان نقش اساسی دارد. ما و فرزندانمان در چنین فضایی زندگی می‌کنیم که پر از آفات و منافع است. بنابراین، منکرات اجتماعی با توجه به اینکه تاثیر مستقیم در جامعه دارد، از اهمیت بالایی برخوردارند؛ به گونه‌ای که هر انسانی که در این اجتماع زندگی می‌کند، این حق را دارد که نسبت به رفتارهای اجتماعی واکنش نشان دهد.

جامعه همان طور که می‌تواند افراد را به فساد و انحراف بکشانند، می‌تواند به تربیت صحیح دینی هم رهنمون کند؛ به شرطی که افراد صالح، در آن جامعه حرکت کرده، یک قدم بلند برای رسیدن به عدالت بردارند. قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط؛ ما رسولانمان را با دلایل روشن فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان را نازل کردیم تا مردم، برای اجرای عدالت، قیام کنند». (حدید، آیه ۲۵)

روزه خواری علنی در جامعه، علاوه بر حرمت شکنی ماه خدا و یا توهین غیرمستقیم به روزه‌داران، تاثیر ناخواسته در تفکر دینی جامعه خواهد گذاشت و موجب بی‌قید و بند شدن افراد جامعه



پرسش: آیا عصمت امام علی (ع) با وجود کارگزاران فاسد در حکومتش، تعارض ندارد؟ آیا امام مسئول عملکرد آنها نبود؟

لزوم استفاده از کارگزاران در تشکیل حکومت

حاکم اسلامی، برای دستیابی به عدالت، نیاز به یارانی همراه و همدل دارد؛ یارانی که وقتی آنان را برای اجرای عدالت و مبارزه با ستمگران فرا خواند، بی هیچ بهانه‌ای، به گرد او حلقه زنند و دستوراتش را عمل نمایند. اگر چنین یارانی وجود نداشته باشند، زمینه برای تحقق عدالت، فراهم نخواهد آمد. امام علی (ع)، در موارد گوناگون، از یاوران همدل و همراه، ستایش و از یاران غیرهمراه، شکوه نموده است. خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه، شاهد خوبی بر این مدعاست.

امام از میان افراد سیاست‌مدار و توانا در اداره حکومت و مدیریت، بهترین‌ها را انتخاب نموده بود. ایشان در نامه ۴۱ خطاب به استاندار بصره می‌فرماید: «اعتقاد من این بود که تو بهترین کسی هستی که مراد در جهت ایفاء و اداء امانت‌ها و انجام مسئولیت‌ها، یاری خواهی نمود»؛ اما دیری نگذشت که استاندار منتخب و مورد اطمینان او، دست به خیانت زد و بیت المال را به یغما برد و عملاً در راه براندازی نظام، گام برداشت. امام در هنگام به‌کارگیری این یاران و همراهان، با معیارهایی چون شایستگی اداری و پرهیزکاری، اقدام می‌نمود. ایشان استانداران و فرماندهانی که خلیفه سابق بر شهرها و مناطق گماشته بود، برکنار کرد تا به جای آنها، کسانی را که امتحان فضیلت و پاک‌دامنی داده بودند، به کار گمارد. امام در این مورد می‌فرمود: «در دین داری خویش، چرب‌زبانی و سازش‌کاری نمی‌کنم و در حکومت و فرماندهی، به فرومایه چیزی نمی‌بخشم و با او کنار نمی‌آیم».

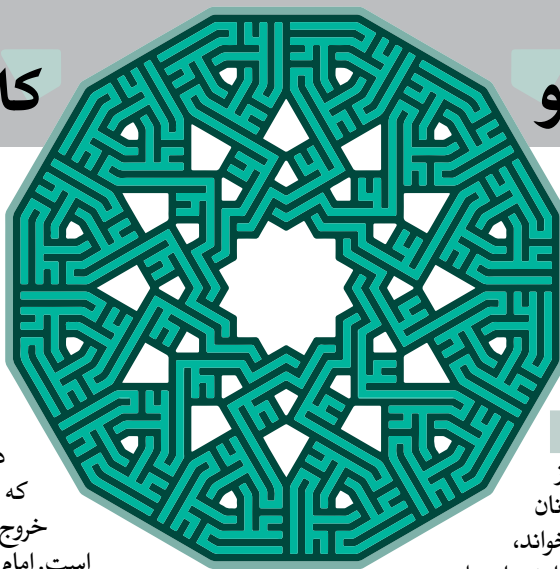
کمبود نیرو و برای تصدی مسئولیت‌ها

خلفای پیشین، با روش خود، مردمی را تربیت کرده بودند که اغلب سست‌عنصر و خسته از جنگ‌ها و برخوردها بودند. مردمی که از حق، دور و در برابر انجام وظیفه، خائن بودند. حضرت در خطبه‌های مختلف، به این اوصاف، اشاره می‌کند: «چه شده است که شما را پیکرهای بی‌روح می‌بینم؟» «ای مردنمایان نامرد...»؛ «خدا شما را بکشد! کاش شما را نمی‌دیدم... سینه‌ام را پر از خشم ساختید».^۲

عده‌ای از مردم، مصلحت‌اندیش و منافق بودند. دوستی طلحه و زبیر، از روی مصلحت و مقام خواهی بود. سکوت و سرخوردگی از اوضاع گذشته، به گونه‌ای بود که بعضی از افراد کج‌اندیش و به‌ظاهر اندیشمند و عابد، راه اعتزال و سکوت، در پیش گرفتند و ترجیح دادند دور از گود و برکنار از صحنه باشند. سکوت اینان هم لطمه‌ای به نهضت علی (ع) بود؛ در حالی که منافقان، ساکت نبودند و با سر و صدا و قیام و اقدام، نظم و آسایش جامعه را برهم زده، موجب جرأت خصم بر حمله و یورش‌های می‌شدند.

بازرسی و کنترل کارگزاران

امام علی (ع)، علاوه بر اینکه کارگزاران خود را با یاد خدا و قیامت، پند می‌داد،



از خیانت و دست‌اندازی به حقوق دیگران، پرهیز می‌داد؛ برای نظارت بر کار آنان، نیروی اطلاعاتی می‌گماشت و از این راه، کارگزارانش را زیر نظر می‌گرفت. علاوه بر این، اگر می‌دید وضعیت مالی بعضی از کارکنان حکومت، به گونه‌ای غیرعادی دگرگون شده، هشدار می‌داد و به بازخواست او می‌پرداخت. برای نمونه، شریح قاضی را به دلیل خرید خانه‌ای به هشتاد دینار، سرزنش کرد که مبادا از مال حرام باشد و اگر هم حلال باشد، خروج از عزت قناعت و افتادن به دام ذلت دنیاطلبی است. امام به منظور نظارت و مراقبت بر اعمال کارگزاران خود، هیئتی را اختصاص داده بود که شیوه رفتار و عملکرد آنان را برای ایشان گزارش کنند. این مطلب، از نامه ۲۰ نهج البلاغه به خوبی استفاده می‌شود. پاداش و تنبیه، یکی دیگر از ارکان نظام اداری از نظر امام علی (ع) است تا بر اساس آن، درست‌کرداران، ستایش شوند و بدکاران به نتیجه اعمال خود برسند.

علت خیانت برخی منصوبین و منتخبین امام

آنچه از توصیفات امام در مورد این افراد استفاده می‌شود، این است که این افراد، در ابتدا شخصیت خوبی داشته‌اند و پس از اخذ مسئولیت، تا سرحد دزد و غارت‌گر، تنزل نموده‌اند. کم نیستند انسان‌هایی که تحول یافته، تغییر و دگرگونی پذیرفته‌اند. این امکان خوب یا بد شدن، در ماهیت انسان نهفته است و زمانی که محیط جامعه آلوده باشد، بیشتر خود را نمایان می‌سازد.

چه خوبانی که عاقبت یا بدانی که خوش عاقبت شده‌اند. پس نمی‌توانیم بگوییم آنها از اول آن گونه بوده‌اند؛ بنابراین، خیانت شخصی منصوب از جانب امام، نه دلیل است بر اینکه از اول این گونه بوده و نه اینکه امام، اشتباه کرده است؛ بلکه انحرافات به وجود آمده در دوران خلفای سلف، موجب تغییر ارزش‌ها و دنیاگرایی خواص شده بود و امام، بیشتر زمان حکومتش را صرف اصلاح امور و فرهنگ جامعه کرد و مبارزه با ناکسین و مارقین و قاسطین را سرلوحه امور قرار داد و از بسیاری از انحرافات، جلوگیری نمود؛ اما شیطنت سه گروه مذکور، اجازه اتمام اصلاحات را نداد و شهادت خود و فرزندانش، نتیجه ثبات قدم آن حضرت برای اصلاح جامعه بود.

با نگاهی به تاریخ، در می‌یابیم که نحوه حکومت امام علی (ع) و برخورد ایشان با کارگزاران، نه تنها مورد نکوهش نبوده، بلکه نامه‌ها و عملکرد ایشان، به عنوان اخلاق کارگزاران، مورد توجه و تعلیم قرار گرفته است. در بررسی رفتار امام، مهم این است که بعد از آشکار شدن فساد افراد، امام چگونه با ایشان برخورد کرده است. ایشان با آشکار شدن فساد منصوبینشان، آنها را مورد توبیخ و چه بسا مجازات قرار می‌داد.^۴

پی‌نوشت:

۱. «مالی أراکم اشباحاً بلا ارواح...»؛ نهج البلاغه، خ ۱۰۸.
۲. «یا اشیاء الرجال ولا رجال»؛ نهج البلاغه، خ ۲۷.
۳. «قاتلکم الله القدم ملائم قلبی قتیحاً»؛ نهج البلاغه، خ ۲۷.
۴. مرامنامه دولت مردان و فلسفه حکومت اسلامی، ج ۲، ص ۵۴-۵۷.

راز هلال ماه

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره سی و سوم / اسفند ۱۴۰۳

۸

پرسش: با اینکه در روایت آمده «صُم لِرُؤْيِيَةِ الْهَيْلَالِ وَ أَقْطُرُ لِرُؤْيِيَتِهِ»، اما چرا میان علما بر سر اثبات اول ماه، اختلاف وجود دارد؟

پاسخ: وجود اختلاف، به علت وجود تفاوت در مبنای مراجع عظام تقلید است که در ادامه، به آن پرداخته می‌شود.

۱. عده‌ای از فقها، رؤیت هلال ماه را با چشم مسلح (دوربین یا تلسکوپ) جایز نمی‌دانند و آن را رؤیت به حساب نمی‌آورند؛ بلکه قائل هستند که رؤیت، حتماً باید با چشم غیرمسلح و به‌طور عادی انجام پذیرد. در مقابل، عده‌ای دیگر از مراجع عظام، رؤیت هلال را با چشم مسلح (دوربین یا تلسکوپ) دارای وجهت شرعی قلمداد کرده، برای آن، ترتیب اثر قائل هستند.

۲. مطلب دیگر که باعث می‌شود اثبات اول ماه، دچار اختلاف شود، باز هم برگشت به نوع مبنا و دیدگاه فقهی مراجع عظام تقلید در رابطه با مکان رؤیت هلال ماه است. عده‌ای از مراجع، قائل هستند که رؤیت هلال باید در افقی واقع شود که محل زندگی ما باشد؛ مثلاً اگر ساکن شهر تهران هستیم، باید یا ماه در افق

تهران دیده شود و یا مثلاً در افق شهرکرد؛ زیرا این دو شهر، اتحاد در افق دارند؛ ولی در مقابل این دیدگاه فقهی، دیدگاه مخالفی

وجود دارد که بر اساس آن، هر جای جهان که با محل زندگی ما در مقداری از شب، مشترک باشد، هلال ماه رؤیت شود، برای تمامی ساکنان این اماکن، اول ماه به حساب می‌آید. در واقع، این عده، وحدت افق را شرط نمی‌دانند. مثلاً اگر در انگلستان، هلال ماه رؤیت شود، چون در مقداری از شب، با ما که در ایران هستیم، مشترک هستند، با اینکه از لحاظ افق با هم متفاوت هستند، برای ما هم که در ایران زندگی می‌کنیم، اول ماه اثبات خواهد شد.

۳. مطلب دیگری که باعث می‌شود اثبات اول ماه، دچار اختلاف شود، این است که آیا «رؤیت هلال» به عنوان یک فعل انسانی، موضوع وجوب برخی احکام شرعی، مانند روزه، قرار گرفته و شارع مقدس، بر اساس یک تعبد شرعی، حکم خود را به عمل رؤیت، منوط نموده یا اینکه رؤیت هلال ماه، خود اصلت ندارد و فقط به عنوان یک راه برای کشف پدیده حلول ماه جدید مطرح است؟ از احتمال اول، به عنوان «موضوعیت» و از فرض دوم، به مبنای «طریقیت» تعبیر می‌شود.

در صورت انتخاب مبنای «موضوعیت رؤیت»، جای سخن درباره راه‌های دیگر ثبوت حلول ماه، باقی نمی‌ماند و فقط می‌توان درباره اینکه آیا ملاک، رؤیت شخصی است و یا رؤیت نوعی، بحث کرد؛ زیرا موضوعیت داشتن یک عنوان در حکم شرعی، به این معناست که شارع، ذات آن عنوان را بدون توجه به هیچ عامل دیگری، مورد توجه قرار داده است. بدیهی است چنین نگاهی به رؤیت، بانگه‌ای طریقیتی به رؤیت، ناسازگار است؛ اما در «نظریه طریقیت»، جای این بحث وجود دارد که آیا رؤیت، طریقیت است و یا در کنار رؤیت، راه‌های دیگر هم برای اثبات حلول ماه نو، پذیرفته می‌شود که در این صورت، رؤیت

مطلب دیگر که باعث می‌شود اثبات اول ماه، دچار اختلاف شود، این است که عده‌ای از مراجع، قائل هستند که رؤیت هلال باید در افقی واقع شود که محل زندگی ما باشد؛ ولی در مقابل این دیدگاه فقهی، دیدگاه مخالفی وجود دارد که بر اساس آن، هر جای جهان که با محل زندگی ما در مقداری از شب، مشترک باشد، هلال ماه رؤیت شود، برای تمامی ساکنان این اماکن، اول ماه به حساب می‌آید

هلال ماه برای اثبات اول ماه، ملاک و اساس قرار نخواهد گرفت و آن چه مهم است، این است که ماه، قابل رؤیت باشد؛ نه این که رؤیت حتماً توسط انسان انجام پذیرد.

پس می‌بینیم که اختلاف دیدگاه مراجع عظام تقلید در رابطه با رؤیت هلال و اثبات اول ماه، دارای مبنای کاملاً متفاوتی است؛ پس در نتیجه، اثبات اول ماه با وجود اختلاف مبنا، به وحدت نخواهد رسید.

۴. نکته مهم اینکه در تشخیص موضوعات، کسی تابع دیگری نیست. همه می‌دانیم آب، پاک است و می‌شود آن را خورد. سم و شراب نیز حرام است و نمی‌شود آنها را خورد؛ اما اینکه این مایع در لیوان، آب است یا شراب را من مکلف باید تشخیص دهد و عمل کنم و هیچ بعید نیست که دو نفر، تشخیص متفاوت دهند و دو جور عمل کنند؛ چنان که دو متخصص قلب، نسبت به بیماری مشخص، یکی عمل جراحی باز را لازم بدانند و دیگری مجاز ندانند و دارو تجویز کنند. همان‌طور که یک نفر مسافر، طبق فتوای یک فقیه، نماز راسخسته می‌خواند و دیگری در همان شرایط، طبق نظر فقیه دیگری، نماز را تمام می‌خواند، ممکن است در روزی مشخص، یک مکلف طبق نظر یک فقیه، روزه بگیرد و آن را جزو ماه رمضان بداند و مکلفی دیگر، همان روز را افطار کند و طبق نظر فقیهی دیگر، آن روز، جزو شعبان یا شوال باشد. باید کمی سعه صدر داشت و تفاوت نظرها و عملکردها را به رسمیت شناخت و از نگاه بسته، پرهیز کرد.

شبهات

ماهنامه پویش مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات (حوزه‌های علمی)
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۱
همکاران این شماره: روح‌الله رضوی، علی مجتبی زاده،
محمدرضا قاسمی، محمد مهدی عباسی آقوی

www.shobahat_mag

www.Shobhe.pasokh.org

pasokh.org | spasokh.com | wikipasokh.com | pasokh.tv | shobhepajouhi.ir

